حضور زنان از دفاع مقدس تا دفاع از حرم یک رکن اساسی در پایداری رزمندگان

زنانی که آموزگار «ایثار» و «مقاومت» شدند

■ احمد محمدتبریزی

جنگ‌ها معمولاً چهره مردانه دارند چراکه مردان به خط مقدم می‌روند، سلاح به دست می‌گیرند و دیده می‌شوند. در صحنه‌های نبرد مردان چهره اصلی هستند و آنها قهرمان می‌شوند اما جنگ یک روی دیگر هم دارد که خیلی به چشم نمی‌آید. بیشتر جزو نیمه پنهان جنگ به شمار می‌رود. کمتر درباره‌اش صحبت می‌شود و مردم اطلاعات‌شان از آن اندک است. از حضور زنان در طول جنگ‌ها کمتر صحبت به میان می‌آید و بخش مردانه بر این حضور زنانه غلبه پیدا می‌کند. زنان در طول جنگ تحمیلی یک رکن مهم به حساب می‌آمدند. اگر حضور زنان را در عرصه‌های مختلف دفاع مقدس نادیده بگیریم، این حماسه آفرینی هشت ساله چیزی کم ندارد. زنان در جنگ تحمیلی جای جای جبهه و پشت جبهه و در موقعیت‌های دیگر با تمام قوا مشغول خدمت‌رسانی بودند. از پشتیبانی، خدمت‌رسانی و امدادرسانی گرفته تا حتی حضور در مناطق جنگی و گرفتن اسلحه در دست.

■ **دل کندن‌های مادرانه**

برای پی بردن به ارزش کار زنان در دفاع مقدس باید کمی ریزبینانه و بادقت نگاه کرد. باید کمی از جبهه‌ها فاصله گرفت و به پشت جبهه و کوچه و پس کوچه‌های شهر سفر کرد. در خانه‌هایی که با حضور مادران، گرم و پرمهر می‌شد و رزمندگان جبهه‌های نبرد را در خود پرورش می‌داد. رزمندگان در دامان مادران‌شان تربیت می‌شدند و آن عشق به امام، دین و میهن را می‌آموختند. مادران استادان ایثار و فداکاری هستند و در خانه الفبای ایثار به بچه‌هایشان می‌آموختند و سربازان خمینی کبیر با چنین روحیه‌ای عازم جبهه‌ها می‌شدند. دل کندن برای هر مادری سخت است. آن هم فرستادن جگرگوشه به جایی پر از خطر. به جایی که ندانی بعد از رفتن فرزند برگشتی در کار هست یا خیر. اما مادران با تمام دلشوره‌ها و نگرانی‌ها ولی با تمام وجود و ایثار، قرآن بر سر فرزندشان می‌گرفتند و کوله و بند پوتین‌هایشان را محکم می‌بستند. دفاع از میهن به این دل کندن‌ها نیاز دارد. ایستادن مقابل دشمن متجاوز به قصد اشغال و ویرانی آمده، ایثار و فداکاری می‌خواهد و مادران ایرانی همان روزهای آغازین دانستند که برای حفظ وطن باید ایثار کرد. امام خمینی(ره) در جلد پنجم صحیفه نور درباره نقش تاریخ‌ساز زنان در دفاع می‌فرماید: «زنان حق بیشتری از مردان دارند. زنان مردان شجاع را در دامان خود بزرگ می‌کنند. اگر زنان شجاع و انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شود، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند.»

■ **هدف دشمن حذف زنان از تاریخ**

برای درک بیشتر کار زنان در دفاع مقدس، آمار گویای کار بزرگ آنان است. طبق آمار تعداد زنان شهید در جنگ ایران و عراق ۶ هزار و ۴۲۸ نفر و تعداد زنان جانباز به بیش از ۵ هزار می‌رسد. با وجود چنین آماری کمتر از این حضور سخن به میان آمده است. آن‌قدر که درباره دیگر جنبه‌ها صحبت شده فرصت بیشتری برای پرداختن به این عرصه نمانده است و به دلیل همین غفلت و به خاطر کم‌رنگ شدن حافظه تاریخی‌مان دشمنان به دنبال حذف زنان از تاریخ دفاع مقدس هستند. آنان می‌خواهند زن ایرانی را به نسل‌های جدید وارونه معرفی کنند. افرادی عافیت‌طلب به دور از دغدغه‌های دینی و ملی که انگار در طول تاریخ به دنبال مبارزه برای مسائل حاشیه‌ای بوده‌اند.

جنگ ایران و عراق، از جنگ‌هایی بود که بیشترین حضور زنان را به صورت داوطلبانه به خود دید و سرفصلی تازه برای فعالیت‌های زنان در جبهه و پشت جبهه باز کرد. اما دشمنان از طرح مسائل حاشیه‌ای و وارونه جلوه دادن تاریخ به دنبال چه هستند؟ دشمنان می‌خواهند با حذف بخشی بزرگ از تاریخ، به نسل‌های جوان چنین القا کنند که زنان توانایی انجام کارهای بزرگ و مهم ندارند. می‌خواهند زنان را از فرآیند ساختن یک جامعه و تربیت نسل‌هایی آگاه و بادغدغه دور کنند تا آنها درگیر مسائل دیگری شوند. در اولین روزهای جنگ که همه از تهاجم سراسری دشمن شوکه شده بودند و نیروهای نظامی سازماندهی درستی نداشتند، زنان به صورت خودجوش کمیته‌هایی محلی برای مقابله با دشمن ترتیب دادند. زنان خیلی زود هسته‌های اولیه مقاومت را تشکیل دادند و به اذعان مردم محلی و رزمندگان، زنان اولین بار ایده ساخت کوکتل مولوتف برای مقابله با تانک‌های دشمن در مرز شلمچه را مطرح کردند. با پیچیده‌تر شدن جنگ، فعالیت زنان در جبهه‌ها هم گسترده‌تر شد. زنان با توجه به موقعیت‌های مختلف کارهایی مثل امدادرسانی، تهیه و تأمین مهمات برای رزمندگان، ارسال مواد غذایی، کندن سنگر و... انجام می‌دادند و در مواقعی که نیاز بود در مناطق جنگی حضور پیدا می‌کردند.

■ **استادان جنگ روانی**

کارشناسان نظامی معتقدند در جنگ‌ها توجه به سه عامل روانی، اقتصادی و نظامی اهمیت بسیار زیادی دارد و برخی صاحب‌نظران اهمیت عامل روانی را بیش از بقیه می‌دانند و عقیده دارند با غلبه بر عامل روانی و حتی بدون سلاح هم می‌توان در یک جنگ پیروز شد. باختن روحیه پیش از شروع جنگ و تسلیم محض شدن در برابر دشمن، هر لشکری را به زانو درخواهد آورد.

اینجا زنان ایرانی مهم‌ترین نقش‌شان را ایفا کردند. آنها با اینکه دانش جنگ روانی را جایی نیاموخته بودند به خاطر روحیه زنانه و ایثار و مقاومتی که در وجودشان داشتند، تکلیف خود را به خوبی انجام می‌دادند. مادران و همسران پا به پای همسران‌شان مثل یک همرزم در همه مسائل همراه‌شان بودند و فضای خانه را طوری مهیا می‌کردند تا شوهرشان احساس نگرانی نکند. آنها به خوبی می‌دانستند تأمین عامل روانی شوهران‌شان چه نقش مهمی در بالا بردن روحیه‌شان دارد. برخی مادران هنگام شهادت یک یا دو فرزند، با روحیه‌ای محکم از ادامه مسیری که عزیزان‌شان در آن شهید شده‌اند، سخن می‌گفتند و هیچ‌گاه از بابت شهادت جگرگوشه‌شان احساس یأس و سرافکندگی نکردند. دقیقاً به همین خاطر امروز خانواده‌هایی با دو یا سه شهید داریم، یا خانواده‌هایی که پدر و پسر در طول جنگ شهید شده‌اند. نکته‌ای منحصر به فرد که در کمتر جنگی اتفاق افتاده است چراکه در کشورهای دیگر با از دست دادن یک فرزند چنان روحیه خود را می‌باختند که توان‌شان برای ادامه جنگ را از دست می‌دادند.

■ **همسران شهدای مدافع حرم و تکرار حماسه**

شاید برخی در این فکر باشند که این روحیه ایثار، فداکاری و مقاومت در زنان سال‌های جنگ فاصله داشت و مادران و همسران دهه‌های بعدی چنین روحیه‌ای را در خود نمی‌دیدند. شرایط جامعه و نسل‌ها عوض شده اما اعتقادات همان‌هایی است که از سال‌ها پیش بوده و نسل به نسل دست به دست شده است. هر جایی که ایران به وجود رزمندگان برای دفاع از حریم اسلام و کشور نیاز داشته، زنان مثل کوه پشت مردان‌شان ایستاده‌اند و قوت قلب‌شان بوده‌اند.

بارزترین نمونه این همراهی، همدلی و ایثار را در وجود مادران و همسران شهدای مدافع حرم دیدیم. برای زنان ایرانی تاریخ دوباره تکرار شد تا آنها را در بزنگاه‌های تاریخی مورد امتحان قرار دهد و آنها به زیبایی از این آزمون سربلند بیرون آمدند. با نگاهی به شهدای مدافع حرم می‌بینیم که بیشتر این شهدا جوان هستند. اگر ازدواج کرده بودند سال‌های زیادی از تشکیل زندگی‌شان نمی‌گذشت و همگی‌شان زندگی‌های خوب و آرامی داشتند. برخی فرزند هم به دنیا آورده بودند و برای آینده‌شان برنامه‌های زیادی داشتند. اگر هم مجرد بودند، برای مادران‌شان مثل یک سرباز رشید و رعنا بودند و مادران آرزوهای زیادی برای پسران‌شان داشتند. وقتی بحث حمله به حرم حضرت زینب(س) پیش آمد و مدافعان حرم برای دفاع از اهل بیت(ع) راهی سوریه شدند، باید مانند سال‌های جنگ از خانه و خانواده دل می‌کندند. دلتنگی مخصوصاً اگر فرزند کوچک داشته باشی خیلی سخت است، اما همسران شهدا عنان زندگی را در نبود همسر در دست گرفتند و به آنها این دلگرمی را دادند که در نبود شما، من مرد خانه خواهم بود و برای فرزندمان هم پدری می‌کنم و هم مادری. وقتی پای صحبت همسران شهدای مدافع حرم می‌نشینیم متوجه می‌شویم همه آنها رضایت به رفتن شوهرشان داده بودند و شوهران‌شان هم گفته بودند بدون رضایت همسر و مادر عزم جهاد نخواهند کرد. یک احترام دوطرفه قلبی که سعادت را به دنبال داشت.

> شهدای دهه شصتی و هفتادی زیادی در میان شهدای مدافع حرم بودند که آینده درخشانی پیش رویشان بود. شهید محسن حججی، شهید عباس دانشگر، شهید عارف کایدخورده، شهید بابک نوری هریس، شهید سیدمصطفی موسوی، شهید حسین معزغلامی، شهید حامد جوانی و ده‌ها نام دیگر، شهدایی هستند که سن‌شان به ۳۰ سالگی نرسیده بود و هیچ کس جز یک مادر نمی‌داند داغ از دست دادن جوانی رعنا یعنی چه؟

همسران شهدای مدافع حرم در حال انجام امور فرهنگی

مادران شهید نیز همچون سال‌های جنگ، وقتی پیکر فرزند بیست و چند ساله‌شان را برای تشییع به خانه می‌آوردند، محکم و استوار از هدف والای فرزندشان سخن می‌گفتند و پیام مقاومت و صبوری را به تمام ایران مخابره می‌کردند. شهدای دهه شصتی و هفتادی زیادی در میان شهدای مدافع حرم بودند که آینده درخشانی پیش رویشان بود. شهید محسن حججی، شهید عباس دانشگر، شهید عارف کایدخورده، شهید بابک نوری هریس، شهید سیدمصطفی موسوی، شهید حسین معزغلامی، شهید حامد جوانی و ده‌ها نام دیگر، شهدایی هستند که سن‌شان به ۳۰ سالگی نرسیده بود و هیچ کس جز یک مادر نمی‌داند داغ از دست دادن جوانی رعنا یعنی چه؟ آنها تمام دلتنگی‌ها و داغداری‌های‌شان را به جان خریدند و هیچ‌گاه مأیوس نشدند. بلکه با افتخار سرشان را بالا گرفتند و از عظمت و بزرگی فرزند جوان‌شان سخن گفتند.

■ **افسران جنگ نرم**

در این میان مادران و همسران شهدای مدافع حرم با استفاده از ظرفیت و امکانات وسایل ارتباط جمعی به روش‌های دیگری راه شوهران‌شان را ادامه دادند. بیشتر همسران شهدای مدافع حرم از طریق شبکه‌های اجتماعی سبک زندگی، اهداف زندگی و خاطرات شهیدشان را برای مردم بازگو کردند. اتفاقی مبارک و نیک که باعث بیشتر شناخته شدن این بزرگمردان به عموم مردم شد.

همسر شهید مدافع حرم کمیل قربانی درباره راه‌اندازی کانالی برای شهید در شبکه‌های اجتماعی به «جوان» می‌گوید: خیلی از کسانی که آقاکمیل را می‌شناختند حالا با شهادت ایشان دوست داشتند بیشتر در موردش بدانند و من دیدم به این بهانه می‌توانم حرف‌های شهید در زمان حیاتش را دوباره تکرار کنم.

همسر شهید مدافع حرم داداللّه شیبانی نیز بیان می‌کند: الان بیشتر شهدای مدافع حرم برای معرفی همسران‌شان کانال‌هایی در فضای مجازی دارند که اتفاقاً در زمینه جذب مخاطب هم موفق عمل کرده‌اند و مردم از مطالب کانال‌های‌شان استفاده می‌کنند. خیلی مسائل را نمی‌شود به زبان گفت و الان همه گوشی دارند و ممکن است با دیدن مطالب شهید فکر کنند و مسیر زندگی‌شان تغییر کند. شاید کسانی خط فکری‌شان فرق داشته باشد ولی وقتی کانال را نگاه کنند رویشان تأثیر می‌گذارد. نمی‌شود همه مسائل را با زبان مستقیم گفت و این ارتباط غیرمستقیم خیلی بیشتر اثرگذار است. اگر مطالب سطحی نباشد می‌تواند سازنده و مؤثر باشد. مطالب موثق و مستند خیلی تأثیرگذاری بیشتری دارد.

یکی دیگر از همسران شهدای مدافع حرم با اشاره با دوستی و آشنایی جوانان با شوهرش می‌گوید: خیلی‌ها دل‌شکسته آمدند و آرام شدند. الان افرادی از شهرهای دور و نزدیک از طریق فضای مجازی و کانال شهید با همسرم آشنا شده‌اند و می‌گویند شهید محرم اسرار و روز و شب‌هایش شده و از وقتی با شهید آشنا شده‌اند زندگی و روحیه‌شان تغییرات زیادی کرده است.

زنان ایرانی در طول این سال‌ها هیچ‌گاه منفعل نبوده‌اند. سختی‌ها را به جان خریده‌اند و عقب‌نشینی نکرده و مأیوس نشده‌اند. جامعه به وجود چنین مادران و همسران نیازی دارد. آنها نسل‌ها را تربیت می‌کنند و هر چه روحیه‌ای مقاوم و استوار داشته باشند نسل‌های آینده‌مان باصلابت‌تر خواهند بود. تاریخ ایران همواره به حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی به خود بالیده است که نشان از آگاهی و درایت و بصیرت مادران و همسران در طول این سال‌ها دارد.

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با برادر طلبه شهید سیدعباس موسوی تاکامی

آگاهانه به جبهه می‌روم و آگاهانه شهید می‌شوم

■ شکوفه زمانی

«و می‌دانم تنها دو راه بیشتر موجود نیست؛ یا باید بمیریم یا مرگ سرخ را بپذیریم که آغاز حرکت به سوی معبود است.» این جمله برگرفته از وصیتنامه شهید سیدعباس موسوی تاکامی، طلبه‌ای از روستاهای اطراف ساری بود که سال ۶۵ در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید. طلبه‌ای که بسیاری از وقایع روزانه خود را یادداشت می‌کرد و اکنون این نوشته‌ها به یادگار مانده است. گفت‌وگوی ما با برادر بزرگ‌تر این شهید را پیش رو دارید.

از دست‌نوشته‌های شهید موسوی زیاد شنیده‌ایم، چه جذابیتی در این نوشته‌ها وجود دارد؟

صفا و سادگی که دست‌نوشته‌های سیدعباس دارد آن را جذاب می‌کند. به عنوان نمونه ایشان در ذیل وقایع سال ۶۳ در دفترچه‌اش نوشته بود: دوشنبه‌ای از روزهای دی ماه سرد روستای کوتنای قائمشهر بود؛ می‌خواستم روزه بگیرم. سحر بیدار شدم، دیدم فقط برنج دارم و هیچ چیز دیگر ندارم تا با آن خورشت درست کنم و سحری بخورم. لذا آب را جوشاندم و چای درست کردم و با نان و چای سحری خوردم و آن روز را با روزه گذراندم. البته فقط به جهت نامناسب بودن وضع طلبگی در وقت اذان هم دیدم چیزی ندارم برای افطار بخورم، با کمی نان نیمه خشک که از روز قبل مانده بود همراه مقداری چای افطار کردم. اما با این همه مشکلات از خدا می‌خواهم که مرا توفیق عبادت و خودسازی عنایت بفرماید.

گویا روستای شما شهدای زیادی داده است؟

بله، در دفاع مقدس روستای تاکام با داشتن ۷۰ خانوار ۹ شهید داد که برادرم سیدعباس شهید پنجم روستا بود.

> سیدعباس کمی که جلوتر می‌رود از ناحیه پهلو ترکش می‌خورد و به شهادت می‌رسد اما چون نیروهای ایرانی از آن منطقه عقب‌نشینی می‌کنند، جنازه سیدعباس بین عراقی‌ها و رزمندگان ما تا ۷۶ روز باقی می‌ماند

چطور شد که تصمیم گرفت به جبهه برود؟

جوان‌های انقلابی آن روزها دل‌شان با بچه‌های جنگ بود. سیدعباس هم نمی‌توانست بماند و درس بخواند. لباس شهادت را بر لباس طلبگی ارجح می‌دانست. در سال‌های ۶۴ و ۶۵ دوبار به غرب کشور اعزام شد. من می‌گفتم بمان و درست را بخوان ولی قبول نمی‌کرد. آخرین بار هم که در عملیات کربلای ۵ شرکت کرد و همان جا به همراه پسر دایی و یکی از بستگان همسرم که هر سه از بچه‌های روستا بودند به شهادت رسیدند.

این سه نفر در یک زمان شهید شدند؟

بله تقریباً در یک زمان بود. یکی از همرزمان برادرم تعریف می‌کرد در روز دوم عملیات کربلای ۵ سیدعباس در راه رفتن به خط مقدم جسد سیدعلی پسر دایی‌اش را می‌بینند. دوستانش به او می‌گویند برگرد و جنازه سیدعلی را به عقب ببر. قبول نمی‌کند و می‌گوید برای من موفقیت در عملیات مهم است و نمی‌خواهم منطقه را ترک کنم. سیدعباس کمی که جلوتر می‌رود از ناحیه پهلو ترکش می‌خورد و به شهادت می‌رسد اما چون نیروهای ایرانی از آن منطقه عقب‌نشینی می‌کنند، جنازه سیدعباس بین عراقی‌ها و رزمندگان ما تا ۷۶ روز باقی می‌ماند. وقتی مفقودی‌اش را به ما اعلام کردند، من تمام معراج شهدای استان تهران، اهواز و جنوب را گشتم اما چیزی پیدا نکردم. پسر دایی هم مدت‌ها مفقود بود. پیکر برادرم ۷۶ روز بعد برگشت ولی پیکر پسردایی‌مان ۱۰ سال بعد تفحص شد.

چه خاطره‌ای از سیدعباس بیشتر روی ذهن شما تأثیر گذاشته است؟

سیدعباس به تعزیه‌خوانی امام حسین(ع) علاقه زیادی داشت. سنش کم بود ولی بصیرت زیادی داشت. یک بار یکی از آقایان روحانی به برادرم گفته بود تعزیه‌خوانی چه فایده‌ای دارد که این کار را انجام می‌دهی؟ شهید در جوابش گفته بود وقتی با تعزیه‌خوانی بهتر بشود راه و منش ائمه را به مردم فهماند، چرا نباید این کار را انجام بدهیم؟ صرف سخنرانی بالای منبر کافی نیست. به نظر من جذابیت‌های تعزیه‌خوانی باعث می‌شود مردم بهتر به مظلومیت ائمه اطهار(ع) پی ببرند.

ابتدای گفت‌وگو را با دست‌نوشته‌های شهید شروع کردیم، آخرین دست‌نوشته ایشان وصیتنامه‌شان بود، در آن چه نکاتی وجود دارد؟

این وصیتنامه هم پر از نکات جالب است. در یک بخش سیدعباس نوشته: «من آگاهانه به جبهه آمده‌ام و آگاهانه هم شهید خواهم شد». داشتن چنین تفکری برای یک جوان کم سن و سال و زدن این حرف نشانه افکار حکیمانه وی بود و در بخش دیگر وصیتنامه‌اش به زحمات پدر و مادرش که با دست پینه‌بسته خود متحمل زحمات فراوانی شده‌اند اشاره و قدردانی کرده بود. در بخش دیگری اشاره داشت: «من که قطره ناچیزی از دریای بیکران این امت جان بر کف هستم راه اول که همان شهادت است را پذیرفته‌ام و اگر موفق شدم خدا را شکر می‌گویم که خونم مورد پسند خریدار خون شهدا واقع شده است.»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۴۴۳

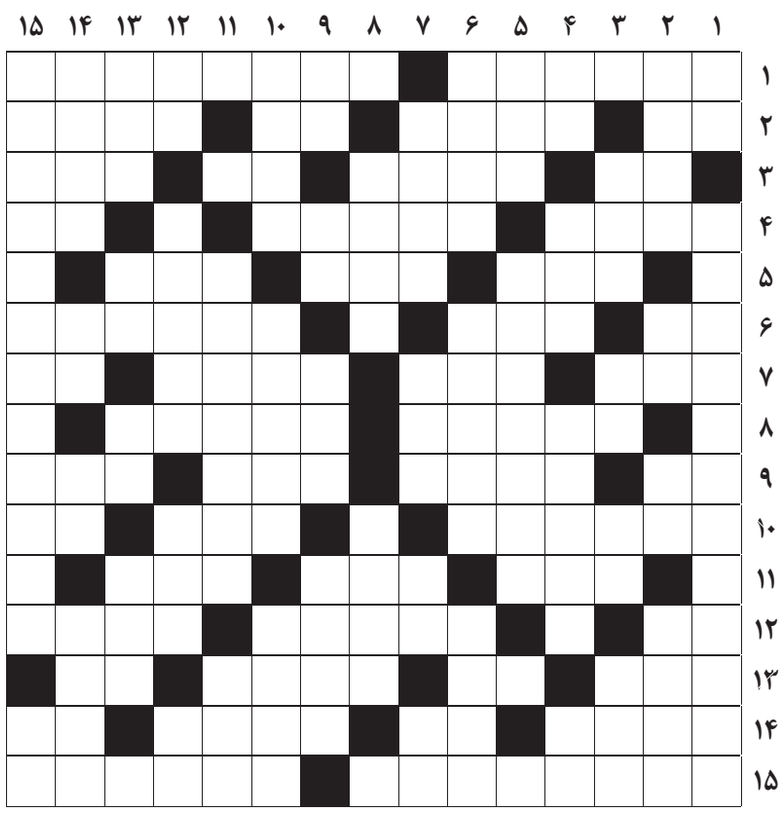

از راست به چپ

■ ۱- نوازنده چنگ در عهد ساسانی- کشور کانگوروها ■ ۲- معبود دروغین- اتحادیه فوتبال اروپا- گوشه‌نشین شطرنج- کشاورز ■ ۳- چوب خوشبو- سرسرای هتل- حمله نظامی- آرایش درخت ■ ۴- همکار خاک‌انداز- خنده بلند- پول ژاپن ■ ۵- جایزه قهرمان- ریسمان- عدد مجهول سه تا نه ■ ۶- به دنیا آوردن- میدانی در تهران- منتقل کردن ■ ۷- شهر بی در و پیکر- وسیله برش- ابزار کفاشی- تفاله کنجد ■ ۸- شهر عمارت شاه نعمت‌الله ولی- شهری در فارس ■ ۹- شامل همه- نوردهنده- دیوار بلند- پوشاک گشاد و بی آستین ■ ۱۰- برعکس مناقصه- مزاحم اینترنتی- صدای ضربه به در ■ ۱۱- مظهر چسبندگی- فلز گلوله- نیم صدای ساعت ■ ۱۲- اسم آذری- غنیمت و بهره- از مشکلات زوج‌های جوان تهیه آن است ■ ۱۳- کچل- فتنه‌جو- خوراک قناری- صدمتر مربع ■ ۱۴- سیاه‌پوست- عنصر شیمیایی- اشعه فرابنفش- جنس قوی ■ ۱۵- مثل گریه دروغین- نشست و برخاست

از بالا به پایین

■ ۱- یزدان- ورزشگاهی در میلان ایتالیا ■ ۲- از خدایان یونان باستان- پسوند خریدار- درخت انگور- زگهواره تا گور بجوی ■ ۳- جایگاهی در جهنم- مبحث- دست نخورده- فنی در کشتی ■ ۴- خط کش مهندسی- تلفظ حرف «و»- صاحب الغدیر- هنوز انگلیسی ■ ۵- راه آذری- ساخته رسول ملاقلی‌پور با بازی احمد نجفی و مسعود کرامتی ■ ۶- دورویی- اجاره بها- از سوغاتی‌های تبریز ■ ۷- شهری در استان زنجان- نزد ایرانیان است و بس- آفت نباتی- مادر لر ■ ۸- ایمان قلبی- عمق ■ ۹- فرمانده بدن- معاون فراری هیتلر- وقت و زمان معین- شهری در ایتالیا ■ ۱۰- واحد فرش- با دست نشان دادن- ضرورت ■ ۱۱- فاصله میان دو پرده نمایش- جنس و صنف ■ ۱۲- خاموش فرنگی- ته- چرک و کثافت- نه ته پیاز نه سر پیاز ■ ۱۳- نگهبان کودک- مردن بر اثر غصه- یار خوش- حدیث پنج تن آل عبا ■ ۱۴- نصرت- همراه آشغال- یادداشت- هر گوشه زمین فوتبال ■ ۱۵- از اسماءالحسنی- لخت

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۳		۱						
			۱					
۶			۷	۲		۵	۱	۹
۱	۲				۹			
	۵						۳	۶
			۸		۶		۹	
۵		۸						
						۴		۳
			۹	۱	۷			

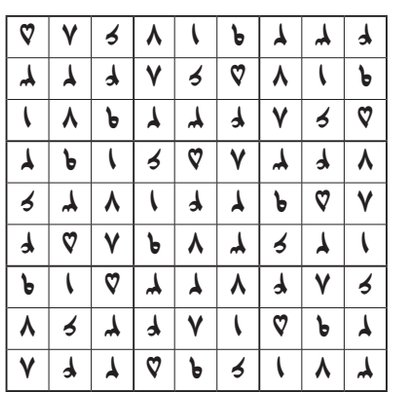

جدول کلمات متقاطع
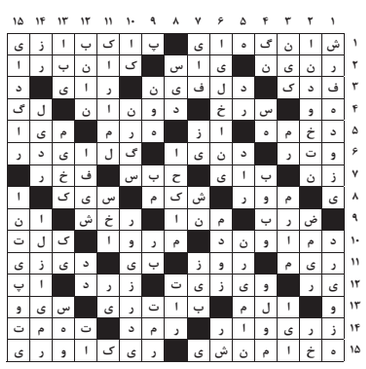
پاسخ جدول شماره ۵۴۴۲